معارف حکمی جامعه ■ دو فصلنامه علمی تخصصی
سال سوم ■ شماره ششم ■ بهار و تابستان ۱۴۰۲

وضعیت‌شناسی و آسیب‌شناسی متون درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

یحیی نورمحمدی نجف‌آبادی،[۱] مرتضی هنرمند،[۲] کیومرث قیصری گودرزی[۳]

چکیده

بررسی وضعیت متون آموزشی و آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی در راستای اصلاح، تکمیل، روزآمد و کارآمد کردن آنها، یکی از اقدامات لازم و متداول در نظام‌های آموزشی است. در بررسی و آسیب‌شناسی متون درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم، با روش تحلیل مضمونی داده‌های گردآمده از طریق مصاحبه و کتابخانه‌ای، می‌توان آسیب‌های متعددی را یافت که به دو بخش آسیب‌های عمومی و آسیب‌های اختصاصی قابل تفکیک‌اند. در بخش آسیب‌های عمومی، موارد فراوانی از آسیب‌ها ناظر به اهداف آموزشی، روش آموزشی، محتوای آموزشی، شکل و ظاهر متن آموزشی، ساختار متن آموزشی و جنبه‌های روان‌شناختی، قابل مشاهده‌اند. در بخش آسیب‌های اختصاصی نیز موارد متعددی از اشکالات به چشم می‌خورند؛ همچون: فقدان متنی مناسب به‌عنوان مدخل و درآمد برای آغاز آموزش فلسفه، انتزاعی و غیرکاربردی بودن، بی‌توجهی به فلسفه‌های مضاف، عدم توجه به آموزش منتقدانه مکاتب و نظام‌های فلسفی غربی، نپرداختن به مباحث معرفت‌شناسی، نقصان برخی سرفصل‌های مهم در برخی کتاب‌های درسی، گرفتار بودن بخش‌هایی از مطالب متون

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)؛ normohamadi126@gmail.com.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران؛ navust@yahoo.com.

۳. استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه ملایر، ملایر، ایران؛ gheysari86@gmail.com.

فلسفه در بند برخی مباحث منسوخ‌شده قدیمی، اختلاف در ترتیب مباحث، عدم توجه به تاریخ فلسفه در طرح مباحث، تعارض برخی مباحث فلسفی با آموزه‌های دینی و اختلاط مسائل فلسفی.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، متن درسی، حوزه علمیه قم، آموزش و فلسفه.

مقدمه

یکی از ارکان آموزش در نظام‌های تعلیمی که در ممانعت از هدررفت سرمایه و افزایش بهره‌وری آموزشی و دستیابی به اهداف شناختی و مهارتی و نیز فراهم‌آوری موجبات ایجاد شور و نشاط علمی در دانش‌پژوهان و فراگیران، نقش اساسی ایفا می‌کند، محتوای آموزشی در شکل کتاب‌های درسی و متون آموزشی است. ازاین‌رو محتوا و متن آموزشی، همواره بخش قابل‌توجهی از نظام آموزشی را شکل داده و توجه صاحب‌نظران و محققان نظام‌های آموزشی را به خود معطوف ساخته است (حسن‌مرادی، ۱۳۸۸، پیش‌گفتار).

یکی از وظایف مراکز و نهادهای علمی در قبال کتاب‌های درسی و متون آموزشی، بررسی وضعیت آنها و آسیب‌شناسی، اصلاح و روزآمد کردن آنها است. نظام آموزش حوزه علمیه قم نیز از این قاعده مستثنی نیست و دستیابی به اهداف و مقاصد بلندِ تعیین‌شده در آن، بدون در نظر گرفتن متون درسی مناسب و روزآمد با رعایت روش‌های کارآمد در تدوین و نگارش آنها، امکان‌پذیر نیست. لذا ضروری است تا کتاب‌ها و متون درسی در نظام آموزشی حوزه علمیه قم نیز از نظر ویژگی‌های ساختاری و میزان رعایت اصول علمی در طراحی و تدوین آنها از یک طرف و درک اثرات مستقیم و غیرمستقیم محتوا بر ابعاد متفاوت یادگیری شناختی، عاطفی و مهارتی فراگیران از سوی دیگر، با شاخص‌های آموزشی، مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرند و متناسب با شرایط و نیازهای جدید در هر عصر، بازنویسی گردند. یکی از علوم و دانش‌هایی که در نظام آموزش حوزه علمیه قم (اعم از نظام آموزش رسمی یا آزاد موجود در متن حوزه یا مراکز و مؤسسات آموزشی و پژوهشی وابسته و زیرمجموعه حوزه علمیه قم) از جایگاه ویژه و برجسته‌ای برخوردار است، دانش فلسفه است که همانند سایر علوم و دانش‌های حوزوی، متون آموزشی و کتاب‌های درسی آن (اعم از کتاب‌های درسی رسمی یا آزاد در متن حوزه یا در مراکز زیرمجموعه حوزه علمیه قم) همواره نیازمند بررسی، آسیب‌شناسی، اصلاح و تکمیل است.

در این مقاله به دنبال آن هستیم تا وضعیت متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم را بررسی و آسیب‌شناسی کنیم تا مقدمه‌ای برای اصلاح و تکمیل آنها فراهم گردد. برای نیل به این مهم، از دو روش گردآوری داده‌ها، یعنی روش کتابخانه‌ای

و مصاحبه با برخی از اساتید و خبرگان در دانش فلسفه بهره خواهیم برد. همچنین در تحلیل‌وتجزیه داده‌های مصاحبه‌ها، از روش «تحلیل تفسیری» استفاده می‌کنیم و در تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از اسناد و مصاحبه‌ها نیز از روش تحلیل‌های مضمونی بهره‌مند خواهیم شد.

براین‌اساس، در نوشتار حاضر ابتدا گزارش و توصیفی از کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم ارائه خواهیم داد. سپس شاخص‌ها و معیارهای عام متن درسی مطلوب را به‌صورت اجمالی بیان می‌کنیم و در پایان، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی فلسفه می‌پردازیم.

۱. کتاب‌های درسی و متون آموزشی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

بدایه الحکمه

این کتاب مختصر و مفید بنا به درخواست عده‌ای از فضلای حوزه، توسط مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبایی در سال ۱۳۹۰ق به‌منظور تدریس در حوزه‌های علمیه، به‌صورت نوشتاری و به زبان عربی تألیف گردید (فیاضی، ۱۳۹۷، ص۴۹؛ شیروانی، ۱۳۸۳، ص۱). در کتاب بدایة الحکمه یک دوره از حکمت الهی با روشی استدلالی و برهانی گنجانده شده است. متن کتاب، چکیده فلسفه صدرایی، پیراسته از حشو و زوائد، و متین و استوار است. عبارات این کتاب گرچه موجز است اما مغلق نیست. در عین اختصار، جامع است و مهم‌ترین عناوین و موضوعات و حکمت الهی را دربردارد (طباطبایی، ۱۴۱۹، مقدمه). کتاب بدایه الحکمه هم‌اکنون به‌عنوان نخستین متن درسی فلسفه در حوزه علمیه است و معمولاً در پایه هفتم تدریس می‌شود (وبگاه معاونت آموزش حوزه، قسمت آیین‌نامه).

برخی از ویژگی‌های کتاب بدایه الحکمه عبارتند از: اکتفا نمودن به اسلوب برهانی، رعایت نظم منطقی در چینش مراحل و فصول، اهتمام به مسائل مهم‌تر و کلیدی و اجتناب از خلط میان علوم اعتباری با علوم حقیقی (شیروانی، ۱۳۸۳، ص۱).

نهایه الحکمه

علامه طباطبایی ۵ سال پس از کتاب بدایة الحکمه، در سال ۱۳۹۵ق، کتاب نهایه الحکمه را برای کسانی که با مسائل فلسفه اسلامی آشنایی حاصل کرده و مطالب کتاب

بدایه الحکمه را فراگرفته‌اند، تالیف کرد. ازاین‌رو مباحث کتاب نهایه الحکمه، از کتاب بدایه الحکمه مفصل‌تر و در سطحی بالاتر است و اقوال و آراء بیشتری در آن مطرح شده است. همچنین درباره برخی مسائل، مطالب عمیق‌تری ذکر گردیده و به اشکالات نیز پاسخ‌های دقیق‌تری داده شده است (فیاضی، ۱۳۹۷، ص۵۰).

این کتاب که به زبان عربی است، به‌عنوان دومین کتاب درسی فلسفه، در پایه‌های نهم و دهم حوزه تدریس می‌شود (وبگاه معاونت آموزش حوزه علمیه قم، قسمت آیین‌نامه). مزایا و ویژگی‌های کتاب نهایه الحکمه در اسلوب برهانی، نظم منطقی، اهتمام به مسائل کلیدی و .... همانند کتاب بدایه الحکمه است.

شرح منظومه سبزواری

این کتاب نفیس، مهم‌ترین تألیف حکیم متأله ملاهادی سبزواری (۱۲۱۲ـ ۱۲۸۹ق) است. مرحوم ملاهادی سبزورای از پیروان و منادیان نظام حکمت صدرایی بود و با هدفِ فراهم‌سازی زمینه و شناخت اولیه منطقی، فلسفی و عرفانی برای ورود و فهم حکمت متعالیه، حکمت و منطق اسلامی را در طول مدت بیش از بیست سال (۱۲۴۰ـ ۱۲۶۱ق) ابتدا با زبردستی و مهارت خاص به‌صورت منظوم به زبان عربی درآورد و سپس بر آن شرحی نگاشت که حاصل آن، کتاب شرح منظومه است (رضانژاد، ۱۳۷۱، ص۱۵۳ـ ۱۵۴). البته باید توجه داشت با اینکه کتاب شرح منظومه، دریچه ورود به کتاب اسفار ملاصدرا است، لکن روش ملاهادی سبزواری در نگارش کتاب، در مواردی مطابق با روش ابن‌سینا است و تا حدودی با روش ملاصدرا تفاوت دارد (عباسی، ۱۳۹۲، ص۸۵)؛ ازجمله: آوردن مباحث مربوط به نفس در بخش طبیعیات یا آوردن بحث حرکت در بخش الهیات بمعنی الاعم. مطابق با انگیزه و هدف ملاهادی سبزواری در تألیف کتاب شرح منظومه، سنت حوزه‌های علمیه همواره این بوده که پیش از ورود به آموزش کتاب اسفار و شفا، کتاب شرح منظومه تعلیم می‌شده است. البته در دهه‌های اخیر، کتاب‌های بدایه الحکمه و نهایه الحکمه، در برنامه درسی رسمی حوزه، جایگزین کتاب شرح منظومه شده‌اند و تنها کسانی که با علاقه و اختیار در زمینه فلسفه تحصیل می‌کنند، کتاب شرح منظومه را به‌صورت غیررسمی می‌خوانند.

الاشارات و التنبیهات

کتاب الاشارات و التنبیهات، تقریباً آخرین اثر فیلسوف برجسته مشائی اسلامی، ابن‌سینا است. این کتاب گرانسنگ در موضوعات منطق، طبیعیات، فلسفه و عرفان، از استحکام علمی و برهانی ویژه‌ای برخوردار است و یکی از مهم‌ترین تألیفات فیلسوفان اسلامی در علوم عقلی به شمار می‌آید (نکونام، ۱۳۸۵، ص۱۷)؛ لذا از دیرباز موردتوجه بزرگان علوم عقلی و همه دوستداران فلسفه بوده و در شمار یکی از مهم‌ترین متون درسی حوزه‌های فلسفی قرار داشته است. این اثر تا به امروز نیز همچنان جایگاه خویش را در متون فلسفی کلاسیک حفظ کرده است و در برخی مراکز علمی حوزوی، به‌صورت خصوصی و خارج از برنامه درسی رسمی حوزه تدریس می‌شود.

برخی از ویژگی‌های این کتاب عبارتند از: جامعیت و زمان تألیف، نثر شیوا و ادیبانه، تبیین اصول و مبانی عرفان در فلسفه و استفاده از اصطلاحات جدید برای تعیین فصل‌های کتاب (نرم‌افزار مجموعه آثار حکیم بوعلی سینا).

الهیات شفا

کتاب شفا جامع‌ترین تألیف و اثر فلسفی ابن‌سینا و به زبان عربی است. این کتاب ارزشمند به‌صورت مجموعه‌ای کامل و دقیق در موضوعات الهیات، طبیعیات، ریاضیات و منطق نگارش یافته است (مصباح، ۱۳۸۲، ج۱، ص۱۸).

بخش «الهیات من کتاب الشفا»، عالی‌ترین متن در فلسفه مشائی در دوره اسلامی است. این کتاب از همان سال تألیف (۴۱۲ق) تا به امروز، در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها مورد توجه بوده و رواج داشته است (همان، ص۱۹). البته این اثر در حال حاضر به‌صورت غیررسمی و خارج از برنامه درسی رسمی حوزه، توسط علاقمندان به آن خوانده می‌شود.

الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه (اسفار)

کتاب الحکمه المتعالیه في الأسفار الأربعه العقلیه که الأسفار و الأسفار الأربعه نیز خوانده می‌شود، یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی در فلسفه اسلامی و بزرگ‌ترین کتابی است که توسط حکیم متأله صدرالمتألهین شیرازی (۹۷۹ ـ ۱۰۵۰ق) تألیف شده است. ملاصدرا این

کتاب را در هنگام هجرت به کهک قم و پس از شهود اسرار و دقائق معارف الهی نگاشته است. این کتاب که تبیین‌کننده نظام فلسفی ملاصدرا است، دربرگیرنده امهات مباحث امور عامه و الهیات بالمعنی الاخص و مباحث نفس و معادشناسی و مشتمل بر نقل و نقد و بررسی آراء پیشینیان و رموزی است که مؤلف در دوران تحقیق و مطالعه به آن دست یافته است (ویکی اهل البیت). این اثر، سال‌ها است که به‌عنوان یکی از متون مهم آموزشی در سطوح عالی حوزه‌های علمیه شیعه تدریس می‌شود. البته تدریس کتاب اسفار، جزو برنامه درسی رسمی حوزه نیست، اما همواره جایگاه رفیع خود را در مراکز علمی برای متخصصین و اهل این فن حفظ کرده و مورد توجه و تدریس قرار داشته است.

آموزش فلسفه

کتاب وزین آموزش فلسفه از تالیفات آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، حاصل مطالعات و تحقیقات در زمینه‌های آموزش فلسفه الهی مرتبط با مسائل اسلامی است که می‌تواند در راه شناخت و تحقیق منطقی معارف الهی، بنیه استدلال و مبانی فکری را تقویت کرده و در حوزه و دانشگاه، تکیه‌گاهی مطمئن و علمی برای دانش‌پژوهان باشد.

مطالب و مباحث این کتاب در ابتدا توسط مؤلف، در مؤسسه در راه حق در قم برای دانش‌پژوهان تدریس می‌شد. در ادامه، برخی شاگردان مؤلف، اقدام به جمع‌آوری و تنظیم درس‌گفتارهای استاد نمودند و در نهایت با قلم شیوا و دقیق استاد، به سبکی متقن و به‌روز و با رعایت الگوهای مناسب کتاب‌های آموزشی، تکمیل و تحریر گردید. آیت‌الله مصباح در این اثر، علاوه بر ابتکار و نوآوری، با دقت بالا در نظم، چینش و دسته‌بندی مباحث، انتخاب عناوین و واژگان متن و روش نگارش، کتابی دقیق در فلسفه اسلامی به‌عنوان یک متن آموزشی جدید، روزآمد و جذاب را فراهم ساخت (مصباح، ۱۳۷۸، ص۱۸).

نویسنده در مقدمه کتاب، هدف از نگارش کتاب آموزش فلسفه را جبران ضعف‌ها و کاستی‌های متون درسی و کتاب‌های فلسفی رایج در حوزه علمیه، رفع معضلات پدیدآمده از دو گونه برخورد افراط‌آمیز و تفریط‌گرایانه از ناحیه دو طیف طرفدار و مخالف فلسفه و ارائه نگرشی متعادل و عقل‌پسند به دانش بنیادین فلسفه بیان کرده است (همان).

کتاب آموزش فلسفه، در سال‌های اخیر، علاوه بر مراکز دانشگاهی، در بعضی از

مراکز و مؤسسات آموزشی حوزوی مانند مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀ و مرکز تخصصی فلسفه، به‌جای کتاب بدایه الحکمه، به‌عنوان اولین متن درسی در زمینه فلسفه تدریس می‌شود.

برخی ویژگی‌ها و امتیازات این کتاب عبارتند از: شیوه کلاسیک و آموزشیِ منظم؛ شیوه نگارش با قلم زیبا، روان و رسا؛ تعالی بخشیدن به فلسفه از طریق ایجاد روحیه نقادی و نقدپذیری و رفع جانبداری‌های متعصبانه؛ استحکام و اتقان استدلال‌ها و براهین ارائه‌شده در دفاع یا نقد مباحث و آراء فلسفی؛ پرهیز از به‌کارگیری واژگان و اصطلاحات پیچیده و اشتمال مطالب کتاب بر مباحث جدید فلسفی.

۲. آسیب‌شناسی متون و کتاب‌های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

گام نخست در اقدام به اصلاح، تکمیل یا تغییر و جایگزینی کتاب‌های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم، آسیب‌شناسی و کشف نقاط ضعف آنها است. بخش قابل‌توجهی از اشکالات آموزش دانش فلسفه در حوزه علمیه قم به متون درسی آن اختصاص دارد؛ چراکه اغلب متون در حال تدریس در حوزه علمیه، در واقع متن درسی نیست (معلمی، ۱۳۹۹). همچنین زمانی طولانی از عمر کتاب‌های درسی فعلی و رایج حوزه می‌گذرد، اما به‌صورت جدی هیچ‌گونه تغییر، اصلاح یا جایگزینی در آنها پدید نیامده است (فیاضی، ۱۳۹۹ و امینی‌نژاد، ۱۳۹۹). باید توجه داشت که در تدوین یا تعیین کتاب درسی، صرفا نباید بر عمیق بودن آن تکیه کرد؛ بلکه ویژگی‌های کتابی که به‌عنوان متن درسی تدوین می‌گردد، با سایر کتاب‌های علمی، تحقیقی، ترویجی و مروری یا عمومی که در راستای تبیین موضوع یا نظریه‌ای علمی نوشته می‌شوند یا مسئله‌ای عمومی و غیرعلمی را بازگو می‌کنند، تفاوت‌های بسیاری دارد.

آن نوع از کتاب درسی، کارآمد و اثربخش است و می‌تواند اهداف نویسنده را تامین و پیام‌های او را منتقل گرداند و با انعکاس بازتابی مثبت بر مخاطبان، تحول مناسبی در دیدگاه‌ها و نظرات آنها ایجاد کند که بر اساس معیارها و شاخص‌های علمی و اثبات‌شده، ویژگی‌های یک کتاب و متن درسی خوب را تا حد قابل‌قبولی داشته باشد. ازاین‌رو پژوهشگران بسیاری به کاوش و بررسی ویژگی‌ها و مشخصات یک کتاب درسی

خوب و متن آموزشی مناسب پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد بتوان مجموع آنچه از اقسام معیارها و شاخص‌ها درباره کتاب درسی مطلوب گفته شده را در ساختاری جدید و قالبی نو، با تقسیم‌بندی جامع، شامل بخش عمده‌ای از ویژگی‌های یک کتاب درسی، در شش قسم، گردآوری و ارائه کرد که عبارتند از:

۱. **شاخص‌های مربوط به اهداف:** رعایت تعادل در تأمین اهداف؛ هماهنگی اهداف متن درسی با هویت دینی و ملی خوانندگان؛ هماهنگی اهداف متن درسی با اهداف بالادستی در نظام آموزشی و تناسب اهداف متن درسی با نیازهای محیط اجتماعی.

۲. **شاخص‌های مربوط به روش:** استفاده از روش فعال؛ تبیین محل نزاع؛ مسئله‌شناسی و شناسایی سوالاتی که قرار است در هریک از قسمت‌های متن به آنها پاسخ داده شود، و آثاری که بحث فلسفی موردنظر در بحث‌های دیگر دارد و سیر حرکت در تبیین یک مسئله فلسفی، از آسان به سخت.

۳. **شاخص‌های مربوط به محتوا:** قابل‌اعتماد بودن؛ تخصصی بودن؛ جامعیت نسبی؛ روزآمدی؛ بهره‌مندی از یافته‌های علمی پیشین؛ صلاحیت پدیدآورندگان و انسجام.

۴. **شاخص‌های مربوط به شکل ظاهری:** روان و بی‌پیرایه بودن نثر؛ یک‌دست بودن واژگان و اصطلاحات؛ آراسته و جذاب بودن ظاهر.

۵. **شاخص‌های مربوط به ساختار:** چیدمان گفتارها؛ بایسته‌های بخش ورودی شامل: مقدمه، معرفی موضوع، تعیین اهداف آموزشی و انتظارات یادگیری؛ بایسته‌های بخش پایانی شامل: فهرست‌ها، چکیده و خلاصه، سؤالات پایانی، پیشنهادها و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و بحث و تحقیق پایانی.

۶. **شاخص‌های روان‌شناختی:** پرهیز از عوامل تنش‌زا؛ پرورش تفکر خلاق؛ تقویت روحیه علمی؛ تقویت روحیه مسئله‌یابی؛ تقویت اعتمادبه‌نفس خواننده؛ تقویت عوامل برانگیزاننده توجه (کارآمد، ۱۳۹۰؛ حسن‌مرادی، ۱۳۸۸؛ لیپونکا، ۱۳۸۵؛ معلمی، ۱۳۹۹ و جزایری، ۱۳۹۶).

در ادامه، با تکیه بر شاخص‌های فوق، به آسیب‌شناسی کتاب‌های درسی رایج دانش فلسفه در حوزه علمیه قم خواهیم پرداخت. برخی از این آسیب‌ها، به کتاب‌های درسی

دانـش فلسـفه اختصـاص ندارنـد؛ بلکـه از آسـیب‌های مشـترک غالب کتاب‌های درسـی حوزوی، به‌ویژه کتب درسـی علوم عقلی هسـتند، اما برخی نیز به دانش فلسـفه اختصاص دارند که به‌صورت جداگانه بیان خواهیم کرد.

۱ـ ۲. آسیب‌های مشترک و عمومی کتاب‌های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

باتوجه‌به اینکه شـاخص‌ها و معیارهای ویژگی‌های کتاب درسـی مطلوب را در شـش قسم تقسیم کردیم، اشکالات مشترک کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم را نیز در همین شش قسم بررسی می‌کنیم. باید توجه داشت که این اشکالات، به غالب یا اکثر کتاب‌های درسـی اختصـاص دارنـد نه همه آنها. لذا ممکن اسـت برخی از اشـکالات و آسـیب‌ها، در بعضی از کتاب‌های درسی یافت نشوند.

۱ـ ۱ـ ۲. آسیب‌های ناظر به اهداف آموزشی

بـه نظـر می‌رسـد باتوجه‌بـه اینکـه از تألیـف بسـیاری از کتاب‌های درسـی فلسـفه در حوزه علمیـه قم، سـال‌ها و در برخی موارد قرن‌هـا می‌گذرد، اهدافی که برای نـگارش آنها موردنظر نویسـندگان آنها بوده اسـت، مناسـب با نیازهای محیط اجتماعی امروز طـلاب و فراگیران علـوم عقلـی در حـوزه نیسـت. امروزه حـوزه علمیه، به متـن جامعه و زندگـی توده‌های مردم ورود پیدا کرده است و باید پاسخگوی نیازها و شئون گوناگون مردم باشد. لذا طلابی که در حوزه علمیه، مشـغول به تحصیل و فراگیری علوم حوزوی هسـتند باید بتوانند پس از اتمام تحصیـل، پاسـخگوی نیازهـای جامعـه در ابعـاد مختلـف باشـند. اما اهداف تعیین‌شـده در متـون درسـی رایـج فلسـفه در حوزه علمیه قـم، تا چه میـزان ناظر به نیازهـای روز جامعه مخاطـب طـلاب می‌باشـند؟ آیـا در این اهـداف، توانمندسـازی طلاب در پاسـخگویی به شـبهات روز لحـاظ شـده اسـت؟ آیـا مجهزسـازی طلاب بـه سـرمایه‌ای علمی که بتـوان با آن در حوزه‌هـای اقتصـاد، سیاسـت، علوم اجتماعی و سـایر امور و دانش‌ها، بنیان‌سـازی و اسلامی‌سـازی کـرد، جـزء اهـداف تالیف و نگارش ایـن کتاب‌ها بوده اسـت؟ در اهداف نـگارش متـون درسـی رایج، تا چه حد بـه نیازهای فکری و نظـری بازار، کارخانه، دانشـگاه، آموزش‌وپـرورش، بیمارسـتان‌ها، دولـت، مجلـس و... توجـه و نظـر شـده اسـت؟ قطعـا در

بسیاری از این کتاب‌ها، چنین اهدافی لحاظ نگردیده‌اند؛ چراکه اساسا در چنین شرایطی و برای چنین ایامی و در راستای رفع چنین نیازهایی از جامعه، نگارش نیافته‌اند.

بیشتر کتاب‌های رایج، برای مکتب‌خانه‌های جوامع بسته گذشته و دوران خلیفه‌گری یا ملوک‌الطوایفی و پراکندگی جمعیتی که حوزه علمیه و حوزویان نقش زیادی در مسائل کلان اجتماعی و مواجهه با مکاتب و جریان‌های فکری جهانی نداشته‌اند، تألیف شده‌اند. علاوه بر این، امروزه شورای عالی سیاست‌گذاری و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم در بخش‌های مختلف تبلیغی، فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی و ...، سیاست‌ها و اهداف کلانی را برای حوزه‌های علمیه و نظام آموزشی آن تدوین کرده است که در حکم اسناد با اهداف بالادستی برای رشته‌های مختلف علوم حوزوی به شمار می‌آیند. اهدافی که در کتاب‌های درسی رایج فلسفی در حوزه علمیه قم دنبال می‌شوند، تا چه میزان با آن اهداف بالادستیِ تعیین‌شده، هماهنگ و منطبق‌اند؟ به نظر می‌رسد هماهنگی و انطباق لازم وجود نداشته باشد و اهداف تعیین‌شده در کتاب‌های درسی رایج فلسفه، منطبق با نیازهای روز جامعه و اهداف تدوین‌شده بالادستی نیست؛ درحالی‌که از شرایط بایسته در اهداف یک کتاب درسی مطلوب و استاندارد، هماهنگی و انطباق آنها با اهداف اسناد بالادستی است.

۲ـ۱ـ۲. آسیب‌های ناظر به روش آموزشی

روش متداول و غالب در متون درسی فلسفه، مبتنی بر روش قدیمی انفعالی و عمدتاً کتاب‌محور است، نه فعال و دانش‌پژوه‌محور. در بیشتر آثار، نویسنده کتاب، به آراء و نظریاتی دست یافته و آنها را به همراه فهرستی از آراء و نظریات دیگر اندیشمندان، در کتاب خود ارائه کرده است. خواننده نیز باید این آراء و نظریات را با ادله آنها بخواند و بفهمد. اما در غالب این کتاب‌ها، از روش فعال که خواننده را به گفتگو، فعالیت گروهی، کار و ... وامی‌دارد و بخش قابل‌توجهی از فهم مطالب و دسترسی به محتوا را بر عهده تحقیق و فعالیت فکری خودِ فراگیر می‌گذارد، خبری نیست. ایجاد انگیزه در مخاطبان برای مشارکت در یادگیری با طرح سؤالات تحلیلی و بحث‌برانگیز، تمرین‌های مؤثر و ... از نکاتی است که جای آنها در کتاب‌های متداول و رایج فلسفه در حوزه، خالی است. امروزه انواع مختلفی از تمرین وجود دارد که دانش‌پژوهان را به حل مشکلات عملی فرضی یا

واقعی، با استفاده از آگاهی‌های نظری قبلی وامی‌دارند. می‌توان با قرار دادن یک مجهول یا ابهام در میانه متن یا پایان گفتار یا فصل، خواننده را به تفکر واداشت تا فهم بهتر، عمیق‌تر و بیشتری در آموزش، نصیب او گردد. تمرین‌ها نقش شایسته‌ای در تعمیق فهم خوانندگان (درصورتی‌که تمرین، تحلیلی باشد) یا تقویت نگاه انتقادی در مبانی، روش، نظریه، گزاره، پیامد، شخصیت و اثر (درصورتی‌که تمرین، انتقادی باشد) یا کسب شناخت فراتر از متن (درصورتی‌که تمرین، تطبیقی و مقایسه‌ای باشد) یا فهم مطالب در زندگی واقعی با تطبیق نظریه بر واقع (درصورتی‌که تمرین، تبیینی باشد)، دارند؛ درحالی‌که غالب کتاب‌ها و متون آموزشی فلسفه در حوزه علمیه قم از این روش انتقال مطالب، بی‌بهره هستند.

همچنین یکی دیگر از آسیب‌های متون آموزش فلسفه از جهت روش ارائه مطالب این است که در تبیین و بررسی مسائل عقلی، محل نزاع، مسئله‌شناسی، سوالاتی که قرار است در آن مسئله به آنها پاسخ داده شود، و آثاری که این بحث در بحث‌های دیگر دارد، به‌درستی تبیین نمی‌گردند. به‌عنوان مثال، در مسئله اصالت وجود یا ماهیت، در ابتدا به‌درستی تبیین نمی‌شود که نزاع و دعوا بر سر چیست؟ این بحث چه فایده‌ای دارد؟ و تاثیر آن در الهیات یا مباحث نفس یا معرفت‌شناسی چیست؟ لذا خواننده مدت‌ها درگیر یادگیری این مسئله است؛ اما ازآنجاکه این نکات را درباره مسئله اصالت وجود یا ماهیت به‌درستی فهم نکرده، فایده آن را نیز نشناخته است (معلمی، ۱۳۹۹).

آسیب دیگر از جهت روش ارائه مطالب، عدم رعایت سیر مناسب حرکت در تبیین و تقریر مطالب و مسائل عقلی است. در بسیاری از متون درسی فلسفه، به‌جای اینکه سیر حرکت از آسان به سخت باشد و در یک حرکت مطلوب، ابتدا سوالی درباره مسئله موردبحث طرح شود و سپس با مثال‌های روشن، واضح و آسان، بحث درباره مسئله را آغاز کند و خواننده را آهسته‌آهسته به سمت مطالب عمیق‌تر، پیچیده و سخت‌تر هدایت کند، مطالب و مسائل به‌صورت پیچیده و سخت مطرح می‌شوند (همان).

۳ـ۱ـ۲. آسیب‌های ناظر به محتوای آموزشی

باوجود اینکه فلسفه وجودی حوزه‌های علمیه و تأسیس آنها، استخراج معارف دین بر اساس نیازهای روز جامعه اسلامی و پاسخگویی به سوالات مردم بوده است، یکی از اشکالات

مهم کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه قم، به‌روز نبودن و عدم تناسب محتوای آنها با نیازهای روز و سوالات جدید است؛ چراکه نگارش بیشتر این کتاب‌ها به بازه زمانی گذشته بازمی‌گردد. این امر علاوه بر اینکه از جامعیت نسبی این آثار می‌کاهد و استعدادها و توانمندی‌های دانش‌پژوهان در حوزه علمیه را از متن جامعه جدا می‌سازد، آسیب جدی به اعتماد خواننده نسبت به آنها وارد می‌کند و جذابیت آنها را در نظر دانش‌پژوهان کاهش می‌دهد. در عصر ارتباطات که دمادم مباحث نو و موضوعات جدید فکری مطرح و با سرعت در تمام دنیا منتشر می‌گردد، چگونه می‌توان با متن‌های قدیمی با محتواهایی کهن و به دور از تحول و اصلاح و تکمیل، که ناظر به نیازهای فکری گذشته بوده است، انتظار داشت تا دانش‌پژوهانی در حوزه علمیه تربیت شوند که بتوانند اسلام را با زبان روز به دنیا عرضه کنند و ناهنجاری‌های فکری ـ فرهنگی و تهاجمات بی‌وقفه اندیشه‌های انحرافی و التقاطی را به‌خوبی بازشناسند و به مبارزه علمی و اثرگذار با آنها برخیزند و در این راه به توفیق دست‌یابند؟ دانشگاه‌ها و مراکز علمی معتبر دنیا هر چند سال یک‌بار، تمام روش‌ها، محتواها و مضامین کتاب‌های درسی و آموزشی خود را بر اساس نیازهای جدید، روزآمد می‌سازند (ذاکری، ۱۳۷۵، ص۶۲). حال چگونه با کتابی درسی که محتوای آن متعلق به چند قرن قبل است، می‌توان تمام نیازهای امروز جامعه را پاسخ داد؟

استفاده از واژگان و اصطلاحات مبهم و نامأنوس، پیش از روشن‌سازی معنای آنها یا عدم تفکیک مناسب معانی آنها نیز از اشکالاتی است که سبب شده تا دانش‌پژوه را به‌جای اشتغال به فهم محتوای درس، مشغول به فهم معنای اصطلاحات کند.

البته باید توجه داشت که نقد محتوای کتاب‌های درسی رایج، ناظر به تمامیت محتوای آنها نیست؛ بلکه منظور این است که محتوای کتاب‌های قدیمی، مورد پالایش قرار گیرند و با حفظ مباحث اساسی و اصالت‌های اسلامی و بهره بردن از مطالب مفید آنها، این کتاب‌ها روزآمد گردند و متناسب با نیازهای روز جامعه، و لحاظ یافته‌های جدید اندیشمندان، محتوای آنها اصلاح و بازنویسی شود. در این صورت می‌توان با تکیه بر سرمایه‌ها و میراث‌های علمی به‌جای‌مانده از پیشینیان، با پیشرفت‌های جهانی همگام شد و دانش‌پژوهانی کارآمد و اثرگذار در حوزه تربیت کرد.

۴ـ۱ـ۲. آسیب‌های ناظر به شکل و ظاهر متن آموزشی

نثر و زبان نوشتاری کتاب درسیِ مطلوب باید روان و بی‌پیرایه و خالی از پیچیدگی باشد و مطالب را بدون ابهام و ایهام، به‌صورت روشن برای مخاطب بیان کند. اما در برخی کتاب‌های قدیمی فلسفه، گویا موجز و مغلق‌نویسی، یک امتیاز به شمار می‌رفته است و نویسندگان در تلاش بوده‌اند تا مطالب مهم و عمیق عقلی را با کمترین کلمات و در کوتاه‌ترین عبارات به خوانندگان ارائه کنند. لذا از توضیح شایسته مطالب و تطویل بایسته مباحث، اجتناب می‌کرده‌اند. چنین روشی، مناسب کتاب درسی نیست. توان دانش‌پژوه نباید صرف گره‌گشایی از عبارت‌های متن درس و رمزگشایی از پیچیدگی‌های مفهومی اصطلاحات و واژگان آن گردد؛ بلکه عمده نیروی او باید صرف فهم محتوا و مطالب درس شود.

۵ـ۱ـ۲. آسیب‌های ناظر به ساختار متن آموزشی

ساختار و شکل فصل‌بندی در کتاب‌های درسی فلسفه یکسان نیست و خواننده در هر کتاب درسی با گونه‌ای از تبویب و چیدمان بخش‌های کتاب مواجه است. این گوناگونی و نایکدستی در تبویب و بخش‌بندی اجزاء کتاب، می‌تواند برای خواننده مشکلاتی را به همراه داشته باشد و مقداری از فرصت و نیروی او را صرف فهم نوع تبویب و چگونگی چیدمان مطالب کتاب گرداند. علاوه بر اینکه در برخی موارد، شیوه مناسبی در تبویب مطالب و مباحث وجود ندارد. یکی دیگر از آسیب‌های برخی کتاب‌های درسی رایج، عدم تنظیم منطقی و نظام‌مند مباحث و مطالب آنها است؛ لذا در بسیاری از آنها، مطالب ارائه‌شده در یک درس، شوق خواننده را در فراگیری درس بعد برنمی‌انگیزاند.

همچنین غالب کتاب‌های درسی رایج، فاقد مقدمه مناسب هستند. یک کتاب درسی مطلوب باید مقدمه‌ای در ابتدای آن داشته باشد و به معرفی کتاب، اهداف یادگیری، گزارش اجمالی محتوا، بیان ساختار کلی کتاب و توضیح نکات لازم برای اساتید و خوانندگان بپردازد. اما چنین مقدمه‌ای در بیشتر کتاب‌های درسی، به‌ویژه کتاب‌های قدیمی یافت نمی‌شود.

بایسته‌های ورودی هر فصل نیز در اکثر متون درسی رعایت نشده است. مثلاً معرفی موضوع و اهداف هر درس و فصل، بیان انتظارات یادگیری و ... در غالب کتاب‌های

آموزشی حوزه یافت نمی‌شوند. همچنین بایسته‌های پایانی کتاب درسی مطلوب، در غالب متون آموزشی حوزه رعایت نشده است. اکثر این کتاب‌ها فاقد چکیده و خلاصه پایان فصل، سوالات پایانی، پیشنهادها و نکات اضافی، معرفی منابع بیشتر برای مطالعه و تحقیق و بحث و تحقیق پایانی هستند.

۶ـ۱ـ۲. آسیب‌های ناظر به جنبه‌های روان‌شناختی

غالب کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه، برای گروه سنی خاص با شرایط روحی و روانی معین، و قدرت ذهنی و توان فهم مشخص نگاشته نشده است؛ بلکه نویسنده به دنبال ارائه نظرات و دیدگاه‌های خویش به صاحب‌نظران و محققین در آن دانش بوده است. لذا در نگارش کتاب، میزان فهم و درک خوانندگان در سطوح مختلف سنی مورد توجه قرار نگرفته و لحاظ نگردیده است (ابوالقاسم‌زاده، ۱۳۹۹ و ذاکری، ۱۳۷۵، ص۶۹). در نتیجه برخی مطالب آنها، برای همه مخاطبین، قابل فهم نیست. عبارات پیچیده و مطالب و موضوعات غیرضروری که برای اهل تحقیق مناسب‌اند، به طور فراوان در متون آموزشی حوزه یافت می‌شوند.

همچنین به‌روز نبودن محتوای کتاب‌های درسی، عدم رعایت سیر منطقی مباحث، نامناسب بودن ساختار کتاب درسی و بی‌توجهی به برخی ویژگی‌های ظاهری در کتاب‌های قدیمی و سنتی فلسفه، سبب آشفتگی و ناآرامی روانی و به‌هم‌ریختگی ذهنی در مخاطبان می‌شوند و بر فرایند انتقال محتوا، آسیب جدی ایجاد می‌کند.

کم‌توجهی به پرورش تفکر خلاق نیز یکی دیگر از آسیب‌ها و اشکالات کتاب‌های درسی علوم عقلی حوزه است. متأسفانه در غالب این کتاب‌ها، از عواملی مانند طرح سؤالات تفکربرانگیز؛ پیشنهاد فعالیت‌های فراتر از محتوای درس؛ طرح موضوعات بحث‌برانگیز که حل آنها مستلزم به‌کارگیری مهارت‌های جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است، خبری نیست. وجود چنین عواملی در کتاب‌های درسی فلسفه، به تقویت و پرورش تفکر نقاد و خلاق در دانش‌پژوه می‌انجامد.

قدیمی بودن و فقدان نظریات علمی جدید در کتاب‌های درسی از یک‌سو سبب کاهش جذابیت و ایجاد انگیزه در بخشی از خوانندگان و دانش‌پژوهان شده است؛ لذا

شـوق و شـور و انگیزه فراگیری را از آنها سـلب کرده اسـت (سـبحانی، ۱۳۷۶، ص۵۵). از سوی دیگر، در برخی افراد که علاقمند به متون قدیمی و کهن هسـتند، سـبب بسـته شـدن ذهن آنهـا بـا نظریـات و آراء قدمـا گردیده اسـت؛ به‌گونـه‌ای که با نظریـات و اندیشـه‌های جدید، بـا بی‌مهری برخـورد می‌کننـد و نوعـی هـراس و موضع‌گیـری منفـی نسـبت بـه نوآوری‌های اندیشمندان جدید در آنها وجود دارد.

۲ـ ۲. آسیب‌های اختصاصی کتاب‌های درسی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم

۱ـ ۲ـ ۲. فقدان متنی مناسب به‌عنوان مدخل و درآمد برای آغاز آموزش فلسفه

در برنامـه رایـج آمـوزش فلسـفه در حـوزه، اولیـن کتابی که طلاب بـرای ورود به دانش فلسـفه آموزش می‌بینند، کتاب بدایه الحکمه اسـت، لکن این کتاب درعین‌حال که با هدف متن ابتدایـی بـرای آموزش فلسـفه تألیف شـده (فیاضی، ۱۳۹۹)، اما واقعیت آن اسـت کـه این اثر، ابتـدای فلسـفه و حکمـت نیسـت؛ بلکه میانـه کار اسـت (معلمی، ۱۳۹۹). در برخـی مراکز و مدارس نیز کتاب آموزش فلسـفه در ابتدا خوانده می‌شـود، درحالی‌که کتاب آموزش فلسـفه نیز به‌عنوان کتاب فلسفی ابتدایی مناسب نیست؛ زیرا اگرچه سعی شده تا در ده درس اول آن، پیش‌درآمد ورود و ابتدا به فلسـفه را جبران کند، اما سـه درس اول آن که به بیان تاریخی از فلسفه غرب و اسلام پرداخته، بسیار مختصر بوده و زمان زیادی نیاز است تا استاد بتواند ایـن سـه درس را توضیـح دهـد. علاوه بـر اینکه این کتاب، یک کتاب سـهلِ ممتنع اسـت؛ یعنی اگرچه به فارسـی و روان نوشـته شـده اسـت، اما حاوی نکات دقیق و عمیق بسـیاری است. البته از درس چهارم تا دهم، برای ورود به فلسفه، خیلی عالی است (همان).

در کتـاب درسـی ابتدایـی فلسـفه بایـد بـه ایـن مسـائل پرداخته شـود: تعریـف، معنا، جایگاه، ضرروت، هدف، تاریخ، چیستی و چرایی فلسفه، و نیز نقش فلسفه و علوم عقلی در علوم اسـلامی و حوزوی و فقاهت و همچنین نسـبت فلسـفه و علوم عقلی با فهم دین و آیـات و روایـات. در نهایـت نیـز بـه شـبهاتی کـه درباره فلسـفه و علـوم عقلی وجـود دارد، پاسـخ داده شـود تـا انگیـزش و احسـاس نیاز به فلسـفه از سـوی طلاب صورت گیـرد و این فهم برای آنها حاصل شـود که فلسـفه و علوم عقلی چیسـت و چرا باید فلسـفه را فراگرفت؟ (معلمی، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۲ـ ۲ـ ۲. انتزاعی و غیرکاربردی بودن

بخش زیادی از مباحث و مطالب فلسفی که در متون و کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه علمیه قم آموزش داده می‌شود، انتزاعی و غیرکاربردی است. در غالب این متون، تلاش چندانی برای ارتباط بحث‌های فلسفی به امتدادات اجتماعی و سبک زندگی نشده است؛ درحالی‌که اگر یک ساختار کلان از علوم فلسفی و اجتماعی که با نظام دین و ساحت‌های مختلف آن و نیز با سایر نظامات معرفتی و سبک زندگی فردی و اجتماعی افراد مرتبط باشد، ارائه می‌شد، اقبال طلاب به فلسفه و علوم عقلی نیز افزایش می‌یافت (محمدی، ۱۳۹۹).

قوام مسائل و مباحث فلسفی، به معقولات ثانیه فلسفی است؛ مفاهیمی مانند علت، معلول، وحدت، کثرت، امکان، وجوب و ... که مابازاء عینی مستقل در خارج ندارند و عروضشان در ذهن و اتصافشان خارجی است. این مفاهیم که از نحوه وجود اشیاء حکایت می‌کنند، بدون مقایسه و کندوکاو ذهنی و تحلیل عقلی حاصل نمی‌شوند؛ لذا مفاهیمی عقلی با حیثی انتزاعی می‌باشند. ازاین‌رو انتزاعی بودن، یک ویژگی ناگسستنی از مباحث فلسفی به شمار می‌آید.

بااین‌حال، می‌توان رویکردی ناظر به نیازها در ارائه مباحث فلسفی داشت و ناظر به سایر علوم و نیز مسائل زندگی بشر، آنها را کاربردی کرد؛ یعنی در ارائه مباحث و مسائل فلسفی، صرفاً بر مباحث انتزاعی هستی‌شناختی تکیه نکرد، بلکه اثر و کاربرد آنها در سایر امور و علوم از قبیل امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... نیز مورد توجه باشد و نتایج مباحث انتزاعی فلسفی در بنیان‌سازی و حل معضلات و مشکلات بنیادین مباحث سایر علوم نیز به کار گرفته شوند؛ رویکردی که در آثار فیلسوفان مسلمان اولیه مانند فارابی و ابن‌سینا به‌خوبی قابل مشاهده است. این فیلسوفان به تبیین مباحث انتزاعی هستی‌شناختی صرف بسنده نکردند، بلکه آنها را به حوزه‌های دیگری مانند اخلاق، سیاست و ... توسعه دادند و از بطن آن مباحث، نظام‌های فکری مانند فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی اسلامی را تدوین نمودند و کارکردهای مباحث انتزاعی فلسفه اسلامی را در امور اجتماعی و مباحث اخلاقی تبیین کردند.

امروزه نیز حوزه‌های علمیه باید پاسخگوی مسائل علمی در علوم انسانی، اعم از علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، اخلاق، علوم تربیتی، مدیریت، روان‌شناسی و ... باشند؛ لذا به شدت به کاربردی کردن فلسفه اسلامی و وارد کردن آن در این علوم برای دستیابی به فلسفه‌های مضاف و اسلامی‌سازی آنها نیازمند است. باید توجه شود فلسفه‌ای که صرفاً به مباحث انتزاعی بپردازد و از کاربردی کردن و گره زدن آنها به سایر علوم یا امور و شئون زندگی انسان بازبماند، اعتبار و وجاهت خود را از دست خواهد داد و سرانجامی جز حذف و انزوا و کنار گذاشته شدن در انتظار او نخواهد بود.

۳ـ ۲ـ ۲. بی‌توجهی به فلسفه‌های مضاف

باتوجه‌به جایگاه و نقشی که امروزه حوزه‌های علمیه باید در اداره جامعه ایفا کنند، مجهز بودن به نظام‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و ... از ضروریات طلاب و حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم به‌عنوان خاستگاه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی است. بدیهی است که نظام‌های علمی و فکری‌ای که برای اداره جامعه و نظام اسلامی مورد نیاز است، نظام‌هایی است که بر پایه بنیادها و مبانی نظری اندیشه اسلامی بنا نهاده شده باشند. اینجاست که فلسفه اسلامی به‌عنوان دانشی که بنیادها و مبانی نظری سایر علوم و نظام‌های معرفتی را بر پایه اندیشه اسلامی سامان می‌بخشد، به میدان می‌آید و با تاسیس فلسفه‌های علوم (فلسفه‌های مضاف)، نقش خود را در بنیان‌سازی و اسلامی‌سازی علوم و توانمندسازی حوزه‌های علمیه در پاسخ به نیازها و ضرورت‌های اداره جامعه ایفا می‌کند (معلمی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹). اما آنچه از آن اثری در متون درسی و کتاب‌های آموزشی حوزه علمیه قم یافت نمی‌شود، فلسفه‌های مضاف است. این نقصیه، راه را برای میدان‌داری مکاتب فلسفی و نظام‌های فکری رقیب و بیگانه از اسلام گشوده و آثار و تبعات بی‌شمار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... را برای جامعه اسلامی به همراه داشته است (جعفری، ۱۳۹۶).

۴ـ ۲ـ ۲. عدم توجه به آموزش منتقدانه مکاتب و نظام‌های فلسفی غربی

امروزه بزرگ‌ترین چالش و مهم‌ترین رقیب برای اندیشه و فرهنگ و تمدن غنی و ناب

اسلامی، تمدن و فرهنگ لیبرال سرمایه‌داری غربی است؛ تمدن، فرهنگ و اندیشه‌ای که کاملا بر پایه مکاتب فکری و نظام‌های فلسفی غربی استوار است و با تمام وجود و امکانات خود، به مقابله و ستیز با تمدن و فرهنگ اسلامیِ برخاسته از اندیشه اسلامی، به میدان آمده است. بسیاری از شبهات و سؤالات جدید و مباحث مطرح در کلام جدید، ریشه در همین افکار و اندیشه‌ها در فلسفه غرب دارند.

حال این سؤال مطرح است که آیا حوزه علمیه قم به‌عنوان پاسدار حریم تمدن و اندیشه اسلامی، بدون آشنایی منتقدانه با مکاتب فلسفی غرب می‌تواند به هجمه‌های فکری و تقابل‌های فرهنگی و شبهات اعتقادی و ... تمدن غربی پاسخ دهد؟ آیا بدون شناخت نقاط ضعف و کاستی‌های اندیشه متفکران غرب می‌توان آن را به چالش کشید و از اندیشه ناب اسلامی دفاع کرد؟ قطعاً بدون آشنایی از کم وکیف ضعف و قوت اندیشه رقیب، پیروزی بر آن ناممکن است. بنابراین آموزش همراه با نقد و آسیب‌شناسی فلسفه غرب، جزء ضروریات متون درسی فلسفه است؛ درحالی‌که جای آن در نظام آموزشی علوم عقلی حوزه علمیه قم خالی است و از آسیب‌ها و نقاط ضعف کتاب‌های درسی حوزه علمیه قم به شمار می‌آید (معلمی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۵ـ ۲ـ ۲. نپرداختن به مباحث معرفت‌شناسی

غالب مباحث و مسائل فلسفه غرب در سده‌های اخیر، معطوف به مباحث معرفت‌شناسی است. در این میان، مکاتب، آراء و اندیشه‌های فراوانی پدید آمده‌اند که آثار و پیامدهای آنها صرفاً محدود به حوزه هستی‌شناسی فلسفی نمی‌شود؛ بلکه مباحث الهیات بمعنی الاخص، کلام، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و ... را نیز متأثر از خویش نموده‌اند. امروزه بسیاری از شبهات و جریان‌های فکری انحرافی و اندیشه‌های غلط، ریشه در آراء و نظریات معرفت‌شناسی دارند. نمی‌توان اثرپذیری مباحث و مسائلی مانند هرمنوتیک فلسفی، پلورلیسم، تعدد قرائت‌ها، تعارض علم و عقل با دین و... از مباحث معرفت‌شناسی را نادیده گرفت. لذا ورود به این مباحث و حل معضلات آنها، بدون آشنایی و تسلط بر مباحث معرفت‌شناسی و شناختِ منتقدانه آراء و نظریات گوناگون در این دانش و مجهز بودن به نظریات و دیدگاه‌های صحیحِ معرفت‌شناختی، امکان پذیر نیست.

بنابرایـن یکـی از ضروریـات آموزش علوم عقلـی، پرداختن به مباحث معرفت‌شناسـی اسـت؛ درحالی‌کـه جـای مباحـث معرفت‌شناسـی در کتاب‌هـای آموزشـی فلسـفه حـوزه علمیه قم خالی اسـت. در این میان، فقط ده درس از کتاب آموزش فلسـفه، تالیف آیت‌الله مصباح یزدی﵀ به مباحث معرفت‌شناسـی پرداخته اسـت. صرف‌نظر از برخی اشـکالاتی که به بخش مباحث معرفت‌شناسـی کتاب آموزش فلسـفه وارد اسـت (مانند کوتاه بودن یا نیازمندی به به‌روزرسانی شدن)، این کتاب جزء متون اصلی درسی در نظام رسمی آموزشی حوزه نیست و بیشتر در مراکز و مؤسسات آموزشی زیرمجموعه حوزه علمیه تدریس می‌شود (معلمی، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۶ـ۲ـ۲. نقصان برخی سرفصل‌های مهم در برخی کتاب‌های درسی

برخـی کتاب‌هـای درسـی رایج فلسـفه در حوزه علمیه قـم، فاقد برخی سـرفصل‌های مهم و مؤثر در علوم عقلی هستند. مثلاً کتاب‌های بدایه الحکمه، نهایه الحکمه و آموزش فلسفه، فاقد بخش علم النفس فلسفی می‌باشند (امینی‌نژاد، ۱۳۹۹)؛ درحالی‌که مباحث علم النفس فلسـفی، جـزء مهم‌تریـن بخش‌هـای فلسـفه به شـمار می‌آینـد و دسـتاوردهای آن، تاثیرات قابل‌توجهـی بـر مباحث انسان‌شناسـی، روان‌شناسـی، معادشناسـی و حتی خداشناسـی دارند. بحث دیگری که جای آن در کتاب‌های درسی فلسفه اسلامی خالی است، حکمت عملـی اسـت. بخـش قابل‌توجهـی از مطالـب در تألیفـات و آثـار قدما، به حکمـت عملی اختصاص دارد؛ درحالی‌که این دسـت از مباحث، در کتاب‌های رایج درسـی حوزه علمیه قـم وجود ندارند؛ مباحثی که کمک شـایانی به کاربردی شـدن فلسـفه می‌کنـد و از انتزاعیِ محض بودن آن می‌کاهد (همان).

۷ـ۲ـ۲. گرفتار بودن بخش‌هایی از مطالب متون فلسفه در بند برخی مباحث منسوخ‌شده قدیمی

در گذشـته، برخی از مباحث و مطالب در فلسـفه وجود داشـت که امروزه بطلان آنها روشن شـده اسـت، اما هنوز سـایه آنها بر سـر برخی مباحث فلسـفی باقی اسـت و حضور خود را به‌صورت پنهان و نیمه‌پنهان در متون درسی فلسفی نیز حفظ کرده‌اند. مثلاً بحث از عقول ده‌گانه مشائی، یا مقولات عشره و امثال این مباحث که ریشه در طبیعیات و کیهان‌شناسی

قدیم دارند، هنوز در متون درسی فلسفی رایج حوزه حضور دارند؛ درحالی‌که مبانی این نظریات، باطل و منسوخ شده و نظریات جدیدتری جای آنها را گرفته‌اند.

۸ـ ۲ـ ۲. اختلاف در ترتیب مباحث

ترتیب علمی مباحث در کتاب‌های درسی فلسفه حوزه علمیه قم، یکدست و مشابه نیستند؛ بلکه دچار اختلاف در رویه می‌باشند. این امر، به تنظیم منطقی و ساختارمند مباحث در ذهن خواننده و دانش‌پژوه فلسفه، آسیب وارد می‌سازد.

۹ـ ۲ـ ۲. عدم توجه به تاریخ فلسفه در طرح مباحث

هریک از مسائل و موضوعات فلسفی، از ابتدای پیدایش تا به امروز، سیری تاریخی همراه با تطوراتی را در بستر فلسفه طی کرده‌اند. دغدغه‌ها و سؤالاتی که سبب طرح و پیدایش آن مسئله گردیده؛ مبانی و قواعدی که باعث ایجاد دیدگاه‌های گوناگون درباره آن مسئله شده؛ نقدها و اشکالاتی که در دوره‌های مختلف توسط فیلسوفان متعدد به مسئله و دیدگاه‌های آن مطرح شده؛ چالش‌هایی که در طول تاریخ فلسفه بر سر راه مسئله پدید آمده و تغییراتی که در مبانی، اصول، تبیین‌ها و ادله و فروعات مسئله شده است و ... تاریخچه‌ای را برای مسئله در فلسفه پدید می‌آورد. آگاهی از این تاریخچه و سیر تطوری که مسئله فلسفی طی کرده است، فضای ذهنی دانش‌پژوه فلسفه را نسبت به مسئله بازتر می‌کند و به او کمک قابل‌توجهی در تجزیه‌وتحلیل و فهم مسئله فلسفی خواهد کرد. در نتیجه، در تعیین موضع او در پذیرش یا رد مسئله اثر می‌گذارد و توان تشخیص او را بالاتر می‌برد. مثلاً دانستن اینکه دغدغه اولیه برای طرح ثبات و عدم حرکت در عقول و مجردات، اعتباربخشی به یک دسته از شناخت‌های بشر و اثبات ثبات و عدم دگرگونی در این شناخت‌ها از طریق ثبات متعلَّق آنها (عقول و مجردات و مثل) بوده است، و در ادامه، آگاهی از سیری که این مسئله تا به امروز در بستر فلسفه طی کرده است و اصول و مبانی و ادله‌ای که سایر فیلسوفان در این زمینه مطرح ساخته‌اند، به دانش‌پژوه این امکان را می‌دهد تا در مواجهه با نظریه حرکت در مجردات، به‌گونه‌ای منطقی‌تر با نظریه برخورد نماید و قدرت بیشتری در تحلیل و تجزیه مسئله داشته باشد و موضع مناسب‌تری در پذیرش یا رد آن اتخاذ کند.

متأسفانه در کتاب‌های درسی رایج فلسفه در حوزه علمیه قم، تاریخ مباحث و مسائل فلسفه، مورد توجه جدی قرار نگرفته و فقط در کتاب آموزش فلسفه به‌صورت خیلی مختصر و کوتاه، اشاره‌ای کلی و اجمالی به تاریخ خود فلسفه و ادوار آن در غرب و اسلام شده است (معلمی، ۱۳۹۹؛ امینی‌نژاد، ۱۳۹۹ و محمدی، ۱۳۹۹).

۱۰ـ ۲ـ ۲. تعارض برخی مباحث فلسفی با آموزه‌های دینی

فیلسوفان مسلمان در طول تاریخ حیات فلسفه در جهان اسلام تلاش بسیاری کرده‌اند تا در کنار آزاداندیشی در بررسی و حل مسائل فلسفی، آراء و نظریاتی در فلسفه ارائه کنند که با مبانی، اصول و اندیشه‌های مطوی در بطن آموزه‌های قطعی اسلامی، تعارض و چالش نداشته باشند؛ تلاشی که تا حدود زیادی با موفقیت همراه بوده است و امروزه نه‌تنها فلسفه با متون نقلی در رقابت نیست، بلکه در خدمت تبیین و دفاع از معارف برآمده از متون دینی است. بااین‌وجود، برخی مسائل فلسفی و طیفی از دیدگاه‌ها در مباحث فلسفی که در متون درسی فلسفی نیز حضور دارند، با آموزه‌ها و معارف اسلامی در چالش هستند؛ مثلاً مسئله معاد جسمانی یا تقدم حدوث نفس بر بدن در عالم ذرّ. وجود این تعارضات و چالش‌ها سبب پدید آمدن مشکلاتی برای تدریس و تحصیل فلسفه در حوزه علمیه قم گردیده است. از یک‌سو بهانه‌ای برای مخالفت با تدریس فلسفه در دست برخی افراد و گروه‌ها قرار گرفته؛ و از سوی دیگر، عاملی برای سلب اعتماد برخی افراد از فلسفه و کنار کشیدن آنها از یادگیری و تحصیل آن شده است. لذا باید برای رفع این چالش‌ها و حل مسائل فلسفی با مبانی، اصول و روش فلسفی تلاش جدی صورت پذیرد؛ به‌گونه‌ای که با آموزه‌ها و معارف قطعی اسلامی در تعارض نباشند.

۱۱ـ ۲ـ ۲. اختلاط مسائل فلسفی

یکی از اشکالات متون درسی فلسفی در حوزه، اختلاط مسائل و مباحث فلسفه در آنها است. مثلاً مباحث معرفت‌شناختی با مباحث هستی‌شناختی به‌خوبی از یکدیگر تمییز و جداسازی نشده‌اند و میان آنها یک نحو اختلاط و درهم‌ریختگی مشاهده می‌شود؛ مانند بحث اصالت وجود که در اثبات آن، ابتدا مسئله بداهت وجود مطرح

می‌شود (معرفت‌شناختی)، سپس به اشتراک لفظی بودن مفهوم وجود اشاره می‌گردد (معرفت‌شناختی) و در پایان، اصالت وجود نتیجه گرفته می‌شود (هستی‌شناختی).

نتیجه‌گیری

باتوجه‌به بررسی‌هایی که صورت گرفت، این نکته به‌خوبی روشن گردید که آسیب‌های متعدد و قابل‌توجهی در متون درسی و کتاب‌های آموزشی دانش فلسفه در حوزه علمیه قم وجود دارند که سبب پدید آمدن اشکالات اساسی در فرایند آموزش فلسفه در حوزه گردیده است. این موضوع، مسئله بازنگری و اصلاح متون درسی فلسفه در حوزه علمیه قم را ضروری می‌نماید. پیشنهاد می‌شود برای تدوین متون جدید یا بازنگری در متون درسی فلسفه، کارگروهی از کارشناسان فلسفه شکل بگیرد که همواره بر کتاب‌های درسی فلسفه در حوزه، نظارت داشته باشند و از طریق ارتباط و تعامل با اساتید و خبرگان در این دانش، نظرات ایشان را کسب نمایند و همواره در پی به‌روزرسانی و اصلاح و تکمیل و یا تدوین متون درسی فلسفه در حوزه علمیه قم باشند.

فهرست منابع

۱. ابوالقاسم‌زاده، مجید (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.

۲. امینی‌نژاد، علی (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.

۳. جزایری، حمید (۱۳۹۶ش)، مصاحبه با حجت‌الاسلام سید حمید جزایری؛ مدیر تدوین متون حوزه علمیه، منتشرشده در وبگاه: http: //ijtihadnet.ir.

۴. جعفری هرندی، محمد (۱۳۹۶ش)، مصاحبه با حجت‌الاسلام جعفری؛ قائم‌مقام گروه کلام و فلسفه دین موسسه امام خمینی﵀. منتشرشده در وبگاه: https: //www.mehrnews.com.

۵. حسن‌مرادی، نرگس (۱۳۸۸ش)، تحلیل محتوای کتاب درسی، تهران: آییژ.

۶. ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۵ش)، «نگرشی به متون آموزشی حوزه»، حوزه، ش۳۵، ص۶۲.

۷. رضانژاد (نوشین)، غلامحسین (۱۳۷۱ش)، حکیم سبزواری (زندگی، آثار و فلسفه)، تهران: انتشارات سنائی.

۸. وبگاه معاونت آموزش حوزه علمیه قم، قسمت آیین‌نامه: http: //howzeh-qom.ir؛ ۱۳۹۹/۷/۲۵.

۹. وبگاه ویکی اهل البیت: http: //wiki.ahlolbait.com؛ ۱۳۹۸/۱۱/۲۳.

۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶ش)، «مهم‌ترین اصول در بازنگری نظام آموزشی»، پیام حوزه، ش۱۳، آذر و دی، ص۵۵.

۱۱. شیروانی، علی (۱۳۸۳ش)، ترجمه و شرح بدایه الحکمه (ج۱)، تهران: انتشارات الزهرا.

۱۲. طباطبایی. محمدحسین (۱۴۱۹ق)، بدایه الحکمه، مقدمه: عباسعلی زارعی سبزواری، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. عباسی حسین‌آبادی. حسن (۱۳۹۲ش)، «بررسی امکان نوصدرایی بودن اندیشهٔ ملّاهادی سبزواری»، حکمت صدرایی. دوره ۲، ش۱، پیاپی ۳، پاییز و زمستان، ص۸۵ ـ ۹۸.

۱۴. فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۷ش)، تقریر درس‌های بدایه الحکمه، تقریر: جمال سروش، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.

۱۵. فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.

۱۶. کارآمد، حسین (۱۳۹۰ش)، در جستجوی راهکارهای تدوین متون درسی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.

۱۷. لیپونکا، مری آلن (۱۳۸۵ش)، نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی، ترجمه زیر نظر: فریبرز مجیدی، تهران: سمت.
۱۸. محمدی، عبدالله (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸ش)، آموزش فلسفه (ج۱)، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۰. ـــــــــ (۱۳۸۲ش)، شرح الهیات شفا (ج۱)، تحقیق: محمدباقر ملکیان، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۱. معلمی، حسن (۱۳۹۹ش)، مصاحبه با استاد توسط محقق.
۲۲. نرم‌افزار مجموعه آثار حکیم بوعلی سینا ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۳. نکونام، محمدرضا (۱۳۸۵ش)، مقامات عارفان: شرح تفصیلی و گسترده دو نمط نهم و دهم الاشارات و التنبیهات، قم: ظهور شفق.